

آیا شرکت در انتخابات و رأی دادن عبادت است؟

حجت‌الاسلام والمسلمین حسنلو

عین عبادت و عبادتش عین سیاست.

در زبان آیات و روایات، جهاد، تلاش و کار و کسب و نیایش و خدمت به خلق خدا و هر حرکتی که انسان مؤمن با انگیزه الهی و بر طبق احکام و انجام دهد، عبادت (به‌معنای عام) است و گاه شود که اثر یک حرکت اجتماعی نزد خداوند، بارها مطلوب‌تر از صدها نیایش باشد.

چنانکه پیامبر ﷺ فرمودند: «ضریه علیّ یوم الخندق افضل من عبادة الثقلین» و این، منطق یک مسلمان واقعی است که «انّ صلوتی ونسکی ومحبای ومماتی لله رب‌العالمین». جامعیت دین اسلام یکی از علل گسترش روزافزون آن است. یکی از اساسی‌ترین عوامل صف‌بندی دولت‌های غربی و آمریکا و بلوک الحادی کمونیسم (قبل از فروپاشی) در مقابل انقلاب اسلاهی ایران، همین مطلب است که اسلام، تنها یک آیین عبادی و فردی نیست. دین از نفی شرک و کوشش در مقابل هرچه غیر خداست، آغاز می‌شود (لا اله الا الله) و به مرحله پذیرش آگاهانه احکامی می‌رسد که در هیچ زمینه‌ای از رفتارهای فردی و خانوادگی و اجتماعی بشر را فروگذار نکرده است.

به‌طور کلی یکی از معتقدات مسلمانان آن است که هیچ حرکت و رفتار و فعل آگاهانه (و حتی نیت و قصدی) نیست که مشمول حکمی از احکام فقهی نباشد.^۱

خداوند به پیامبرش دستور می‌فرماید: برای حضور و اشتیاق مردم، با آنان به مشورت بشین؛ یعنی جلب همکاری و جلب دل‌های آنان مهم است. مشارکت مردم بود که باعث شد که اسلام در مقابل دشمنان سرسخت پیروز شود؛ امیرمؤمنان ^{علیه السلام} نیز در خطب و نامه‌های نهج‌البلاغه به این نکته اشاره دارند که اسلام دین اجتماع و سیاست است و تکالیف عبادی و فردی نمی‌توانند، جای‌گزین مسائل اجتماعی و سیاسی بشوند.^۲ امیرمؤمنان ^{علیه السلام} در فرمان مالک‌اشتر تصریح می‌دارد که به مردم بها داده و آنان را در امور به مشورت بخواهد و در تصمیمات مهم مشارکت مردم را بالا ببرد؛ از این‌روی مشارکت سیاسی نیز، نه‌تنها عبادت بلکه در مواردی از مهم‌ترین آن‌هاست. بسیاری از بزرگان از علمای ما تنها به‌خاطر پاسخ‌گویی به نیازهای فکری، عقیدتی، فرهنگی، تربیتی و حتی سیاسی جامعه، گاه دست از زندگی زاهدانه خود می‌کشیدند و مستقیماً به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی می‌پرداختند. این همان سیره رسول‌الله ^{صلی الله علیه و آله} است.

همین آیه در اثبات اهمیت تکالیف اجتماعی کافی است که خداوند، فلسفه‌بعثت را در یک جمله خلاصه کرده است و آن، برقراری قسط و عدالت در تمام شئون حیات فردی و اجتماعی است: همانا رسولان خود را، با آیات روشن فرستادیم و به آنان کتاب و میزان نازل کردیم تا برای مردمان قسط بیا دارند^۳ و این قسط و عدل بدون حضور مردم محقق نخواهد شد؛ لذا واضح است که اقامه قسط به هزینه «کتاب و میزان و حدید» جز با تشکیل حکومت و تدارک وسایل آن که یکی از شرایط مهم آن حضور مردم است، امکان‌پذیر نخواهد شد. افزون بر آن، لازمه تحقق تکالیف و امور فردی و امکان برگزاری تکالیف فردی و آموزش آنها نیز، با تحقق و حضور عموم مردم و اکثریت فراهم

زمان تبلیغات انتخاباتی رعایت کند و به دیگر کاندیداها

تهمت نزد و در چارچوب حرف بزند و وعده و وعید ندهد و خلاصه تقوای سیاسی، اجتماعی و ... داشته باشد، این یکی از بهترین ملاک برای انتخاب می‌باشد.

ب) ولایت‌پذیر بودن، همان‌طور که حضرت علی ^{علیه السلام} فرموده است: «و ولی الامر علیک فوقک»^۴

ج) داشتن روحیه قانون‌پذیری چنانکه امام خمینی ^{رحمه الله} بارها بر این موضوع تأکید کرده و معتقد بودند: «در اسلام، قانون است، همه تابع قانونند و قانون هم، قانون خداست؛

قانونی است که از روی عدالت الهی پیدا شده است؛ قانونی است که قرآن است؛ قرآن کریم است و سنت رسول اکرم ^{صلی الله علیه و آله} است. همه تابع او هستیم و همه باید روی آن میزان عمل کنیم؛ فرقی مابین اشخاص نیست در قانون اسلام، فرقی مابین گروه‌ها نیست»^۵

د) ساده‌زیستی، دوری از تجملات و تشریفات چنانکه قانونی است که قرآن است؛ قرآن کریم است و سنت رسول اکرم ^{صلی الله علیه و آله} است. همه تابع او هستیم و همه باید روی آن میزان عمل کنیم؛ فرقی مابین اشخاص نیست در قانون اسلام، فرقی مابین گروه‌ها نیست»^۶

ه) ساده‌زیستی، دوری از تجملات و تشریفات چنانکه امام خمینی ^{رحمه الله} بارها این مسئله را مورد تأکید قرار داده و می‌فرمودند: «آخرین نکته‌ای که در اینجا ... باید از باب تذکر عرض کنم و بر آن تأکید نمایم، مسئله ساده‌زیستی و زهدگرایی ... است ... و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا دون شأن و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و برحذر باشند»^۷

و) حمایت از محرومان و مستضعفان و حتی‌الامکان برخاستن از میان قشر مستضعف و طبقه پائین جامعه تا بتواند، از محرومان و مستضعفان حمایت کند و به فکر آنها باشد و به‌وضع معیشت آنها رسیدگی کند. پیامبر اسلام ^{صلی الله علیه و آله} هم به پیروان خود توصیه می‌کرد که از مستضعفان حمایت کنند و همچنین در یک روایتی از امام صادق ^{علیه السلام} آمده است که یکی از خصلت‌های مهم سلمان فارسی آن بود که مستعدان و مستضعفان را دوست می‌داشت و مجالست با آنان را بر مجالست با ثروتمندان ترجیح می‌داد.^۸

امام خمینی ^{رحمه الله} هم بر حمایت از محرومان و مستضعفان تأکید می‌کردند و در این مورد فرموده‌اند: «توجه داشته باشند... وکلای مجلس از طبقهای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند»^۹

ز) داشتن عزم جدی برای ریشه‌کنی فقر و فساد؛ چنانکه مقام معظم رهبری در تبیین فرد اصلح به این موضوع اشاره کرده و این‌گونه می‌فرماید: «اصلح؛ یعنی کسی که برای ریشه‌کنی فقر و فساد عزم جدی داشته باشد؛ کسی که به حال قشرهای محروم و مستضعف دل بسوزاند؛ کسی که هم به ترقی و پیشرفت کشور و توسعه اقتصادی و غیراقتصادی بیندیشد...؛ کسی که به فکر معیشت مردم، دین مردم، فرهنگ مردم و دنیا و آخرت مردم باشد...»^۸

وجود میزان اندکی فضای احساسی و هیجانی در انتخابات پرشور است؛ اما این

فضا نباید بر تصمیم‌گیری درست افراد جامعه تأثیرگذار باشد؛ از این روی با مهار این فضای احساسی و هیجانی

و بسترسازی فضای عقلانی و نیز ارائه آگاهی‌های لازم به جامعه به‌ویژه در مورد ملاک‌های اصلح و استفاده درست از رسانه‌ها و فضای مجازی می‌توان ذهنیت مردم جامعه را در مسیر انتخاب اصلح، هدایت کرد. انتخابات در هر کشور مردم‌سالاری، مهمترین عرصه کارزار افراد و جریان‌های سیاسی برای تصدی مسئولیت‌های اجرایی و تقنینی می‌باشد. در کشور ما نیز که نظام مردم‌سالاری دینی بر آن حاکم است، به‌طور متوسط هر ساله یک انتخابات برگزار می‌شود و بدین‌ترتیب اکثریت قریب به اتفاق مسئولین کشور، از سوی ملت و از طریق انتخابات مستقیم یا غیرمستقیم، به این مسئولیت برگزیده می‌شوند و همین مسئله اهمیت

انتخابات را مضاعف می‌کند. با این حال عرصه رقابت‌های انتخاباتی، همواره عرصه رقابت سالم و منطقی افراد و جریان‌های سیاسی نبوده است؛ بلکه عوامل مختلفی وجود دارد که بر سلامت فضای انتخابات تأثیرگذار بوده و همین مسئله نیز به‌نوبه خود آثار خود را بر انتخاب درست مردم بر جای می‌گذارد. از این‌روی برای تحقق انتخاباتی درست و انجام بهترین گزینش، لازم است اقداماتی صورت گیرد که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود.

۱. فراهم کردن بسترهای رشد عقلانیت و منطق و به حداقل رساندن تصمیم‌گیری بر اساس احساسات؛ چراکه تعقل و عقلانیت، گنجی نهان است در اسلام و به‌ویژه قرآن و روایات مکرر بر لزوم تعقل تأکید شده است؛ به‌عنوان مثال بر اساس برخی روایات، رسالت پیامبران، رشد دادن گنجینه‌های عقول که در حالت عادی همچون دینه‌ای مخفی در دل خاک هستند، معرفی شده است؛^۱ البته تعقلی که در اینجا مد نظر است، تعقلی است که انسان را در مسیر رشد و هدایت واقعی قرار داده و با عقلانیتی که تنها هدفش، دست‌یابی به منافع مادی و دنیایی است، تفاوت دارد.

از طرفی این مسئله از آنجایی اهمیت خود را پیدا می‌کند که همواره با بالا گرفتن شور و شوق انتخاباتی، احساسات و هیجانات کاذب و بیش از حد، بر فضای سیاسی کشور غلبه پیدا کرده و در نتیجه امکان تصمیم‌گیری‌های عقلانی و منطقی را سلب می‌کند و در نتیجه افرادی که اقدام به گزینش می‌کنند، متأثر از این فضای احساسی شده و انتخاب‌هایی می‌کنند که بعدها ممکن است، خود نیز از آن پشیمان شوند. این در حالی است که با توسعه عقلانیت و منطق در کشور، هرگونه تصمیم‌سازی بر اساس محاسبه‌گری و عقلانیت و بدون تأثیرپذیری از

از دیدگاه اسلام، دین مجموعهٔ به هم پیوسته‌ای از باورها و اندیشه‌های برگرفته از وحی الهی در رابطه با جهان، انسان و جهان پس از مرگ است که هدف آن هدایت انسان به سوی روش بهتر زیستن و کامل‌تر شدن است. هرگاه مردم در صحنه های اجتماعی فعال بودند اسلام پیروزمندانه پیش رفت. داشته و در صحنه های اجتماعی فعال بودند اسلام پیروزمندانه پیش رفت. داشته و در صحنه های اجتماعی فعال بودند اسلام پیروزمندانه پیش رفت و در صحنه‌های اجتماعی فعال بودند، اسلام پیروزمندانه پیش رفت و هرگاه عده کمتری تصمیم گرفتند و در اطاعت از پیامبر کوتاهی نمودند، با شکست مواجه شدند؛ همانند احد؛ انتخابات امروز به‌منزله گردنه حساس احد هست؛ هرکس کوتاهی کند، در این سنگر صدمه‌ها وآسیب‌ها زیاد خواهد بود.

مروح علامه جعفری می‌گفت: «هر حقیقت و پدیده‌ای که برای تنظیم و اصلاح حیات انسانی در ارتباط چهارگانه (ارتباط انسان با خویشتن، ارتباط انسان با خدا، ارتباط با جهان هستی و ارتباط انسان با همه‌نوع خویش) قابل بهره‌برداری باشد، از دیدگاه اسلام جزء دین محسوب می‌شود»^۱ انسان در قبال خدا وظایفی دارد که آن وظایف عبارتند از:

۱. عبادت‌های فردی؛ طهارت، نماز، زکات، روزه و ... که از واجبات عبادی می‌باشد.

۲. عبادت‌های غیرفردی (اجتماعی) که شامل: بقیه تکالیف دیگر فقهی و شرعی می‌باشد؛ از جمله احکام اجتماعی، حقوقی و سیاسی و آنچه محل بحث است، مشارکت سیاسی است که در اسلام، دین از سیاست جدا نیست و سیاست به‌منزله عبادت می‌باشد.

محقق حلی و بسیاری از فقههای دیگر، احکام فقهی را به چهار قسم اصلی

رقابت‌های انتخاباتی

و اولویت‌های انتخاب

سید روح‌الله لطیفی

وجود میزان اندکی فضای احساسی و هیجانی در انتخابات پرشور است؛ اما این

فضا نباید بر تصمیم‌گیری درست افراد جامعه تأثیرگذار باشد؛ از این روی با مهار این فضای احساسی و هیجانی

و بسترسازی فضای عقلانی و نیز ارائه آگاهی‌های لازم به جامعه به‌ویژه در مورد ملاک‌های اصلح و استفاده درست از رسانه‌ها و فضای مجازی می‌توان ذهنیت مردم جامعه را در مسیر انتخاب اصلح، هدایت کرد. انتخابات در هر کشور مردم‌سالاری، مهمترین عرصه کارزار افراد و جریان‌های سیاسی برای تصدی مسئولیت‌های اجرایی و تقنینی می‌باشد. در کشور ما نیز که نظام مردم‌سالاری دینی بر آن حاکم است، به‌طور متوسط هر ساله یک انتخابات برگزار می‌شود و بدین‌ترتیب اکثریت قریب به اتفاق مسئولین کشور، از سوی ملت و از طریق انتخابات مستقیم یا غیرمستقیم، به این مسئولیت برگزیده می‌شوند و همین مسئله اهمیت

انتخابات را مضاعف می‌کند. با این حال عرصه رقابت‌های انتخاباتی، همواره عرصه رقابت سالم و منطقی افراد و جریان‌های سیاسی نبوده است؛ بلکه عوامل مختلفی وجود دارد که بر سلامت فضای انتخابات تأثیرگذار بوده و همین مسئله نیز به‌نوبه خود آثار خود را بر انتخاب درست مردم بر جای می‌گذارد. از این‌روی برای تحقق انتخاباتی درست و انجام بهترین گزینش، لازم است اقداماتی صورت گیرد که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود.

۱. فراهم کردن بسترهای رشد عقلانیت و منطق و به حداقل رساندن تصمیم‌گیری بر اساس احساسات؛ چراکه تعقل و عقلانیت، گنجی نهان است در اسلام و به‌ویژه قرآن و روایات مکرر بر لزوم تعقل تأکید شده است؛ به‌عنوان مثال بر اساس برخی روایات، رسالت پیامبران، رشد دادن گنجینه‌های عقول که در حالت عادی همچون دینه‌ای مخفی در دل خاک هستند، معرفی شده است؛^۱ البته تعقلی که در اینجا مد نظر است، تعقلی است که انسان را در مسیر رشد و هدایت واقعی قرار داده و با عقلانیتی که تنها هدفش، دست‌یابی به منافع مادی و دنیایی است، تفاوت دارد.

از طرفی این مسئله از آنجایی اهمیت خود را پیدا می‌کند که همواره با بالا گرفتن شور و شوق انتخاباتی، احساسات و هیجانات کاذب و بیش از حد، بر فضای سیاسی کشور غلبه پیدا کرده و در نتیجه امکان تصمیم‌گیری‌های عقلانی و منطقی را سلب می‌کند و در نتیجه افرادی که اقدام به گزینش می‌کنند، متأثر از این فضای احساسی شده و انتخاب‌هایی می‌کنند که بعدها ممکن است، خود نیز از آن پشیمان شوند. این در حالی است که با توسعه عقلانیت و منطق در کشور، هرگونه تصمیم‌سازی بر اساس محاسبه‌گری و عقلانیت و بدون تأثیرپذیری از

می‌شود.

بنابراین به نکات ذیل باید توجه نمود:

۱. در طول تاریخ اسلام، هرگاه مردم در جامعه حضور کم‌رنگ داشته‌اند، اسلام لطمه خورده است؛ نمونه بارز آن، سقیفه بنی‌ساعده بود که عده‌ای اندک جمع شدند و فردی را بر سرنوشת اسلام مسلط کردند و راه دین را تحریف نمودند و از اسلام، جز خشونت و جنگ به‌بار نیاورده است.

۲. اسلامی که رسول‌خدا ^{صلی الله علیه و آله} همه امورات آن را مشخص نموده بود و اگر همه مردم حاضر شده و جلو این گزینش توطئه‌گرانه را می‌گرفتند و از تصمیم رسول‌الله ^{صلی الله علیه و آله} در غدیر حمایت می‌نمودند، به‌عنوان یک تکلیف اجتماعی، اسلام قرن‌ها ردگیر این اختلاف بزرگ نبود و خوهای کمتری ریخته می‌شد.

۳. تمام تکالیف شرعی فردی در صورتی درست ادا خواهد شد و به عرصه عمل خواهد رسید که از حمایت اجتماعی به‌عنوان تکلیف اجتماعی محقق شود.

۴. شگل‌گیری جامعه آرمانی بزرگ اسلامی در گروی عمل به تکالیف اجتماعی است؛ مادامی که همه مردم به صحنه نیامدند، امیرمؤمنان ^{علیه السلام} خانه‌نشین بود؛ اما آنگاه که برای بیعت با او با اشتیاق و و لع روی آوردند، مزه عدالت را چشیدند و علی ^{علیه السلام} را به جایگاه حقش ولو برای مدتی اندک رساندند؛ انتخابات امروز به‌منزله همان حمایت‌های تاریخی است که مردم از رسول‌الله ^{صلی الله علیه و آله} به‌عمل آوردند و از امیرمؤمنان ^{علیه السلام} بعد ۲۵ سال پس انتخابات به‌عنوان تکلیف اجتماعی می‌تواند باشد و این تکلیف اجتماعی بر گردن افراد محقق می‌شود تا به تکلیف درست اجتماعی نائل شوند.

۵. آنگاه جامعه بشری به آرمان بزرگ جامعه مدینه فاضله نبوی که در اندیشه فیلسوفان بزرگی چون فارابی تبلور نموده است، خواهد رسید که مردم در عمل به تکلیف اجتماعی با حضور و مشارکت بزرگ فرد و اتحاد جدیت نمایندند این جامعه آرمانی را محقق سازند.

۶. فرارسیدن دولت موعود اسلام و عینیت محسوس جامعه مدینه فاضله اسلام در گروی آمادگی عموم مردم است و مشارکت در بسترسازی برای ظهور منجی ^{صلی الله علیه و آله} نیز، در گروی عمل به تکلیف جمعی است و آن انتخاب درست است که می‌تواند زمینه‌های عدالت‌خواهانه را فراهم نماید تا مردم به فکر بسط عدالت حضرت مهدی ^{علیه السلام} باشند و آن را با عمل محقق نمایند و به سوی آن جامعه آرمانی همه انبیا و اولیا ^{علیهم السلام} گسیل شوند.

• پی‌نوشت‌ها

۱. قیسات، شماره ۱، ص ۶۶؛

۲. طهارت، صلوة، رکوع، خمس، روزه، اعتکاف، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر؛

۳. سوره حجرات؛

۴. کوزل، ج ۳، ص ۲۵۶، ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ^{رحمه الله}؛

۵. نهج‌البلاغه، فیض‌الاسلام، نامه شماره ۵۳، ص ۹۸۸ و نیز خطبه ۳ و نیز خطبه ۱۳۱؛ و

نیز نامه ۱۳۱؛

۶. حدید/۲۵.

به این افراد و همراهی مؤثر و فعالانه با آنها جهت حضور مؤثر در عرصه رقابت‌های انتخاباتی که البته باید مواظب باشیم تا ما نیز خدای نکرده، به‌بانه معرفی و تبلیغات فرد یا جریان‌ی که آن را اصلح می‌دانیم، فضای جامعه را به سمت التهاب و هیجان کاذب نبریم؛ ولو اینکه یقین صددرصد به اصلح بودن گزینه خود داشته باشیم؛ چراکه هدف، ولو اینکه مقدس باشد، هرگز توجیه‌گر وسیله نامشروع نمی‌باشد.

۶. بررسی عملکرد گذشته کاندیداها در مسئولیت‌هایی که داشته‌اند و میزان توفیق یا عدم توفیق در آن مسئولیت به‌همراه بررسی علل عدم توفیق احتمالی و نیز میزان پابندیی آن مسئول به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلابی در آن مسئولیت که جملگی این مسائل کمک خواهد کرد تا هم شناخت بهتری نسبت به کاندیداها حاصل شود و هم میزان واقعی بودن وعده‌هایی که می‌دهند، مشخص شود. ۷. بررسی وضعیت اطرافیان کاندیداها که همچنان با فرد مورد نظر همراهند از جهت ملاک‌هایی همچون پاکدستی مالی، سلامت اخلاقی و پابندیی به ارزش‌های اسلامی و انقلابی و نیز میزان اعتماد کاندیدای مورد نظر به این افراد و جریان‌ها که کمک شایانی برای ترسیم وضعیت یک کاندیدا در دوران نمایندگی‌اش می‌کند؛ یعنی شناخت آنها ات‌رسیم‌گر جهت‌گیری آینده کاندیدا و میزان توفیق وی خواهد بود.^۱

در مجموع به نظر می‌رسد که وجود میزان اندکی فضای احساسی و هیجانی در انتخابات، لازمه برگزاری یک انتخابات پرشور است؛ اقا این فضا نباید ذهنیت افراد را مختل کرده و بر تصمیم‌گیری درست آنها تأثیرگذار باشد؛ از این‌روی با مهار این فضای احساسی و هیجانی و بسترسازی فضای عقلانی و نیز ارائه آگاهی‌های لازم به جامعه به‌ویژه در مورد ملاک‌های اصلح و استفاده درست از رسانه‌ها و فضای مجازی می‌توان ذهنیت مردم جامعه را در مسیر انتخاب اصلح هدایت کرد.

• پی‌نوشت‌ها

۱. نهج‌البلاغه، خطبه۱، قِیْتُ فِیْهِمْ رُسُلُهُ وَوَاتَرُ الْاَیْمِمْ اَیْبَاءُهُ لَیْسَتْاَوْفُؤْمُ مِنْقَاقُ فَظَرِیْتُه... وَتَیَبُّوْا لَهِمْ ذَفَاتِنَ الْعُقُوْلُ؛

۲. نهج‌البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، نامه ۵۲، ص ۳۲۵؛

۳. نهج‌البلاغه، همان، ص ۳۲۶؛

۴. صحیفه امام، ج ۹ ص ۴۲۵؛

۵. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۲۲؛

۶. بهارالانوار، ج ۲۲، ص ۲۲۷؛

۷. وصیت‌نامه سیاسی الهی امام ^{رحمه الله}؛

۸. بیانات در دیدار مردم جعفرت، ۱۳۸۴/۱/۱۷.

۹. روزنامه جوان ۱۳۸۳/۳/۱.

۱۰. نهج‌البلاغه، نامه ۵۲.